

بررسی تاریخچه ورودی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۲/۱۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۸/۳/۳۰

پیوند دوستی مطلق*

چکیده

گذر زمان جبر را وارد می‌کند، جبری که معماران و مخاطبان را از معماری سنتی جدا و یا دور می‌کند. این جبر می‌تواند جبر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تکنولوژیک و یا سیاسی باشد. به هر حال موجودیت جبر در تمامی موارد فوق بر اثر گذر زمان است. هنر و معماری همیشه و در همه حال تابع اصول و ضوابط معین و شناخته شده‌ای است و پیوندی استوار، ثابت و ناگسستنی با فرهنگ، الگوهای رفتاری و ارزش‌های جامعه دارد. به همین دلیل است که سبک‌های معماری هر دوره، انعکاسی از فرهنگ و هنر آن دوره محسوب می‌شود، همچنانکه تغییرات در معماری با تغییراتی که در سایر عرصه‌های زندگی به وقوع می‌پیوندد متناسب است و این تغییرات لازمه معماری پویا و زنده است تا بتواند نیازهای جدید انسان را پاسخگو باشد.

هر سبک جدید معماری بر اصول، روش‌ها و سنت‌های سبک‌های پیشین استوار است و به همین علت است که بین سبک‌های گوناگون معماری در گذشته رابطه‌ای محکم وجود دارد به طوری که مرزبندی در بین آنها دشوار به نظر می‌رسد. این نزدیکی اصول و روش‌های معماری در بین سبک‌های مختلف نشأت گرفته از فرهنگ، سنن و الگوهای رفتاری مشابه افراد جامعه می‌باشد که با اندک تغییرات در شیوه‌های جدید زندگی و فرهنگ مردم که ریشه در زمان دارد، به علت پاسخگویی به نیازهای جدید باعث به وجود آمدن سبک‌های معماری می‌شده است. در نتیجه باید گفت که زمان همیشه در حرکت است و آن قومی موفق است که نیازهای معماری جامعه را درک کند و زمان و مکان جامعه خود را بشناسد. هدف در این مقاله بررسی میزان اهمیت طراحی ورودی در آرامش زندگی انسان در محیط زندگی‌اش می‌باشد. آنچه در ورودی مهم است تأثیری است که این فضا می‌تواند بر محیط کالبدی اطراف خود داشته باشد. این که چگونه نحوه شکل‌گیری ورودی می‌تواند به خلق محیطی مطلوب و دستیابی به اصول ارزشمند در طراحی مسکن بیانجامد، هدف این پژوهش می‌باشد. ورودی در مسکن مفاهیم بسیاری را به دنبال خواهد داشت. مسائلی از قبیل: نحوه دسترسی، تأثیر در نمای شهری، زیبایی، امنیت، حریم، آسایش اقلیمی، آرامش محیطی، دید، دعوت‌کنندگی و مسئله مهم فرهنگ که تأثیرگذار و تأثیرپذیر در مفهوم ورودی در طراحی مسکن و محیط مسکونی مطلوب است. لذا هدف، طراحی ورودی یک بنا به عنوان پیش‌فضا با در نظر داشتن تمام مفاهیم بالا برای دستیابی به معنای مطلوبیت است.

بررسی مسئله تحقیق برای یک جامعه در محدوده کشوری چون ایران می‌باشد که برای محدود کردن موضوع، برای تحلیل بهتر و دقیق‌تر به بررسی چند مورد در بستر طرح پرداخته شده تا این مفاهیم زمینه‌ای برای مطالعات بعدی و نیز دربردارنده مفاهیم کلی برای بررسی سایر موارد باشد. از ابزار تحقیقاتی ما در این پژوهش بیشتر تکیه بر اسناد و نشانه‌های فرهنگی مردم ایران است که در منابع و معماری‌های گذشته دیده می‌شود چون اساس تحقیقات ما نگرش فرهنگی جامعه است، ابزار ما آمارها و اسناد فرهنگی، بهره‌گیری از مطالعات میدانی فرهنگی، مردم‌شناسی می‌باشد. لذا می‌توان گفت در نهایت روش تحقیق در این تهیه این گزارش پژوهشی، روشی (تحلیلی-توصیفی) است که به تحلیل فضاهای طراحی شده برای ورودی‌ها و بررسی پیشینه نمونه‌هایی از معماری سنتی گذشته ایران می‌باشد. راه ما برای حل بسیاری از مشکلات معماری معاصر ایران این است که معماری سنتی و ایرانی باید تکنولوژی و روش‌های معاصر را در خود جا دهد و نیاز امروز را بر طرف کند و به عبارت دیگر با تپش‌های زندگی امروزی همراه شود. لذا برای ارتقاء کیفیت معماری امروز که از مسائل مهم و قابل بحث در معماری معاصر است، توجه به اساس معماری سنتی و تطبیق آن با بستر زندگی امروز، می‌تواند راهگشا باشد و می‌توان تاریخ و مطالعه آن را وسیله‌ای مفید در رسیدن به این مهم دانست. با توجه به این امر، در این فصل به بررسی دوره‌های تاریخی و سبک‌هایی که در این دوره‌ها ظهور یافتند پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی

واژه‌های کلیدی: ورودی در، معماری غرب (باستان و معاصر)، معماری ایران، (قبل و بعد از اسلام)، ایران معاصر

مقدمه

هر ورودی دارای نقش‌های کالبدی و کارکردی می‌باشد. از نقش‌های کالبدی ورودی می‌توان به تأمین و نظارت بر ارتباط، کنترل‌گری، نفوذپذیری، تبدیل‌پذیری، تشخیص و خوانایی، پذیرندگی یا دعوت‌کنندگی نام برد. شکل‌گیری ورودی به عنوان یکی از عناصر مهم و مؤثر در معرفی افکار و نظریات دوران مربوط به خود است و متناسب، هماهنگ و پیوسته با امکانات، اهداف عملکردی و تفکرات دوره مربوط به خود شکل می‌گیرد. برای کمک به طراحی ورودی می‌توان از آثار گذشتگان نام برد. معماری بناهای بازمانده از دوره‌های کهن، مرجع مطالعات ما در بررسی روند تغییرات ورودی از لحاظ کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و کاربردی می‌باشد. از آنچه در شکل‌گیری فضاهای ورودی در تمدن‌ها و سبک‌های مختلف مؤثر بوده، می‌توان اوضاع طبیعی و اجتماعی منطقه، مذهب، نظام اجتماعی و فرهنگی و ... را نام برد.

بهره‌گیری از آموزه‌های معماری ایران قدیم، نقش مهمی در رسیدن به کیفیت مطلوب ورودی‌ها در طراحی بناها خواهد داشت. جایگاه ورودی در فرآیند طراحی بناها در ادوار مختلف تاریخی در کشورمان به وضوح به چشم می‌خورد. ورودی بناهای ایرانی در طی دوران پرفراز و نشیب خود، تحولات چشمگیری داشته است، اما دارای ویژگی‌های خاصی است و در هر یک از دوره‌های تاریخی تغییراتی به خود دیده است. در هر صورت، استفاده از منبع گران‌بهای تاریخ معماری کشورمان در بهبود وضعیت ورودی بناهای معاصر بی‌تأثیر نیست.

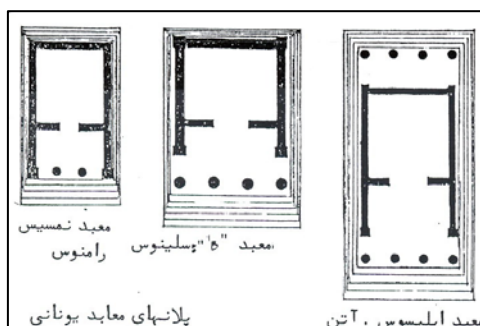
۱. تاریخچه معماری غرب

۱-۱- معماری یونان باستان

معماری باستانی یونان، معماری مجسمه‌وار بوده است. یک حجم بزرگ که دورتا دور آن را ستون‌هایی در بر می‌گیرد و دارای یک فضای اصلی مرکزی است. با توجه به پلان معماری معابد، به فرم شکل ورودی پی‌برده می‌شود. این فرم شکل جلوخانی را برای ورود به بنا تعریف می‌کند و در عین حال توسط حجم خالی داخلش یک ورودی عقب نشسته را تعریف می‌نماید.

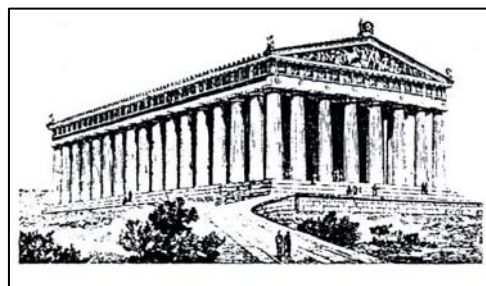
این ورودی‌ها با تعدادی ستون در مقابل تقویت و تأکید می‌شده است. تعداد و تناسبات متعدد این ستون‌ها در دوره‌های متوالی معماری یونان احساس‌های متفاوتی را در ناظر ایجاد می‌کردند. تزئینات ستون‌ها، شیارها و سر ستون‌ها و پایه ستون‌ها همگی در شکل‌دهی به ورودی در معماری یونان مؤثر بوده است (تصاویر ۱ و ۲).

تصویر ۲: پلان‌های معابد یونانی



ماخذ: فرم، فضا، نظم، ۱۳۷۵: ۱۶۶

تصویر ۱: معبد آکروپولیس، یونان



ماخذ: آشنایی با معماری جهان، ۱۳۴۲: ۲۱۰

۲-۱- معماری روم

این معماری بسیاری از ایده‌های هنری معماری یونان را به ارث برده است. آنها توانسته‌اند این فنون و ایده‌ها را به نحوی که می‌خواهند تغییر دهند. بدین صورت که در معماری خود بیشتر نسبت به موضوعات فضایی و مفهوم حرکت در فضا توجه کرده‌اند.

ورودی در معماری رومی به صورت یک بخش الحاقی است که به فرم اصلی یا مادر متصل شده است. نمونه بسیار بارز آن معبد پانتئون روم می‌باشد که در آن رواق ورودی به شکل مستطیل به دایره اصلی الحاق شده است. این پیوستگی بر مبنای تقارن صورت می‌پذیرد. استفاده از ستون‌ها همانند معماری یونان و نیز به کار بردن سنتوری‌های مثلث شکل در ورودی و تزئینات بر روی آنها اجزاء مهمی از ورودی بناهای رومی محسوب می‌شود. امروزه در بسیاری از عمارت‌های بزرگ و مهم استفاده از این اجزاء در ورودی به چشم می‌خورد.

در باسیلیکاهای رومی مدخل ورودی در یکی از ضلع‌های طولی این بناهای مستطیل شکل قرار داده شده است. بعدها ورودی این باسیلیکاها در معماری صدر مسیحیت در راستای طول در یکی از اضلاع عرضی یعنی در امتداد محور حرکتی قرار داده می‌شود.

خانه‌های اعیانی رومی (دوموس) دارای علامت مشخصه‌ای بودند. این علامت یک دهلیز سرگشاده یا نوعی حوض-خانه بود که داخل ورودی مستصیل شکلی در مرکز بنا بدون سقف بوده و در اطراف آن اتاق‌های خانه قرار داشتند. (خانه درونگرا با فضای تقسیم) به طور کلی در معماری یونان و روم باستان وجود پله‌ها در مسیر رسیدن به ورودی باعث ایجاد یک سطح برآمده از کف زمین می‌شود، ورودی بالاتر قرار می‌گیرد و اهمیت بیشتری به بنا می‌دهد.

ویژگی‌های کلی ورودی‌های طراحی شده به سبک کلاسیک در یونان و روم باستان:

- دارای هماهنگی و سادگی

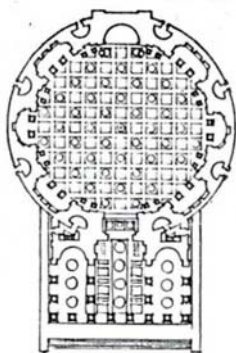
- به کارگیری اصل تقارن

- وحدت و یکدستی عناصر

- بر اساس منطق و مطابق با واقعیت

- وضوح و آرامش در طراحی (تصاویر ۳ و ۴)

تصویر ۴: پلان معبد پانتئون روم



ماخذ: آشنایی با معماری جهان، ۱۳۴۲: ۲۵۸

تصویر ۳: نمای معبد پانتئون، روم



۳-۱- معماری گوتیک

در معماری گوتیک نوعی تداوم فضایی بین داخل و خارج دیده می‌شود. نفی دیوارها، برداشتن پوسته‌ها و مفصل-بندی از جمله ویژگی‌های این معماری است. زوی معتقد است: "این معماری دارای شفافیت سطوح است و این گاهی برای نزدیک شدن به پیوستگی فضایی بین بیرون و درون است". در این سبک از معماری ورودی در راستای محور طولی بناهای کشیده قرار می‌گرفته. عمودیت و شفافیت از ویژگی‌های ورودی‌های گوتیک است. ارتفاع سرگیجه‌آور با آن تناسب، شکوه، جلال و هیبت را در ذهن ناظر تداعی می‌کند. همچنین پشت‌بندها و طاقی‌ها در نمای

ورودی‌های گوتیک وجود دارد. پیکر تراشی‌ها و نقش و نگارهای نوک تیز و نقش بر جسته‌های سردر گوتیک حس روحانی و عظمت را منتقل می‌کنند. به طور کلی ویژگی‌های ورودی‌ها در این دوره را می‌توان در غالب واژه‌های زیر بیان کرد:

تصویر ۵: نمای بیرونی از ورودی کلیسای سنت شاپل



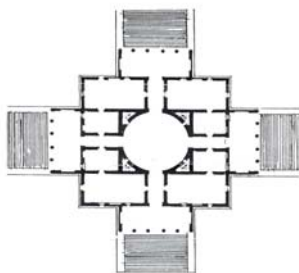
ماخذ: آشنایی با معماری جهان، ۱۳۴۲: ۳۳۵

- دارای کیفیت قائم
- چند عنصری بودن
- شامل عناصر کمانی و پر تحرک
- استفاده از مبالغه و انحراف از واقع
- متنوع (تصویر ۵)

۱-۴- دوره رنسانس

در این دوره بر خلاف زمان گوتیک "ساختمان نیست که در تملک انسان است، بلکه انسان است که با درک قانون ساده می‌کند و رمز بنا را نیز به تملک خود در می‌آورد". معماری رنسانس بر اساس نقطه مرکزی بوده است. نقشه‌های این دوره عموماً به شکل چهارگوش (صلیب یونانی یا رومی) طراحی، طاق و گنبد بر قسمت مرکزی آن بسته می‌شده است. محو شدن جهت خطی در این معماری به چشم می‌خورد شکل‌گیری ورودی نیز بر اساس این ویژگی‌ها بوده است. به عنوان مثال در ویلا روتوندا (۱۵۵۴-۱۵۵۰، آندرتا پلادیو) که از معروفترین ویلاهای عصر رنسانس است، چهار نما همانند رواق ورودی طراحی شده است و تک‌تک رواق‌ها در چهار جهت بنا در حکم سکویی بوده است که بلندتر از سطح زمین قرار گرفته و تعدادی پله این ارتباط را میسر می‌کرده است. یونانی‌ها و رومی‌های دوران باستان منبع الهام این دوره بوده‌اند. رنسانس و یا نوزایش یک معنا بیشتر نداشته و آن احیاء دوباره سنت‌های کلاسیک است (تصویر ۶).

تصویر ۶: ویلا روتوندا، آندره پلادیو، ۱۵۵۲-۷۰

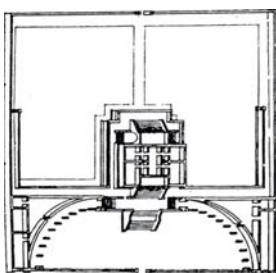


- بنابراین علاوه بر خصوصیات ورودی‌های دوران کلاسیک خصوصیات از قبیل: انسان‌وار بودن
- استفاده از فن پرسپکتیو در طراحی (طراحی سه بعدی)
- بازی با سایه روشن را نیز می‌توان متذکر شد.

۱-۵- معماری باروک

باروک آزادی از قوانین قراردادی مانند هندسه مسطحه، سکون، تقارن و نیز از تضاد بین فضای داخل و خارج است. تاب خوردن دیوارها در نمای ورودی برای ایجاد فضایی جدید، حس نشاط را با استفاده از منحنی‌های ظریف و عناصر هماهنگ موجی در ناظر پدید می‌آورد. ویلای بادئر اثر پلادیو نمونه بارزی از معماری این دوره است. حال به بیان تعدادی از ویژگی‌های ورودی‌های طراحی شده در این دوره پرداخته می‌شود:

تصویر ۷: ویلای بادئر، اثر پلادیو



ماخذ: آشنایی با معماری جهان، ۱۳۴۲: ۳۳۵

- تحرک بسیار
- درخشش و رنگارنگی
- بهره‌گیری از نقوش پراکنده و متنوع در ورودی
- استفاده از عناصر کمانی و منحنی‌ها در راستای افق و قائم در محدوده ورودی
- وجود عناصر مبالغه‌آمیز و دور از واقع (تصویر ۷).

۱-۶- معماری مدرن

آستانه ورودی به عنوان یک مکان، در بردارنده سه نقش است که درجات مختلف به خود می‌گیرد:

- نقش استفاده‌گرا

- نقش محافظتی

- نقش معناشناختی

در بناهای دوران کلاسیک نقش معناشناختی و محافظتی در ورودی بسیار پراهمیت بوده، بدین معنا که اعتقادات، تشریفات و مذهب در شکل‌گیری ورودی نقش پررنگ‌تری داشته است. به عنوان مثال آستانه ورودی کلاسیک متولیان خاص خود را داشته، مانند خدایان و ارواحی که ورود شیاطین و قدرت‌های پلید را مانع می‌شدند. وجود صور پرستش خدایان، مجسمه‌ها و پیکر تراشی‌ها در اطراف ورودی نیز نشانه‌ای دیگر از این اصل است.

ولی در معماری مدرن جنبه استفاده‌گرا یا عملکردی بیشتر مد نظر قرار گرفته است. معماری مدرن بر اساس خواست اجتماعی اکثریت شکل می‌گیرد. انعکاس این نگرش در طراحی ورودی منجر به شکل‌گیری ورودی‌هایی با جنبه عملکردی می‌گردد. تزئینات بسیار زیاد که نشانه اشرافیت بوده و یا از اعتقادات مذهبی الهام گرفته می‌شده، کمتر به چشم می‌خورد. ورودی در معماری کلاسیک مهار کردن گشودگی در ساختار دیوارهای باربر، مکانی برای عبور، چیزی که منظره بیرون را قاب می‌کند و منبعی برای نور و هوا به شمار می‌رفته است، اما در معماری مدرن با بهره‌وری از فناوری جدید برای تحقق ارتباط درون و بیرون بنا، وابستگی بین ساختار و بازشو از بین می‌رود، جایگیری ورودی دیگر الزاماً به ساختار باربر مربوط نمی‌شود و فضا آزاد می‌شود.

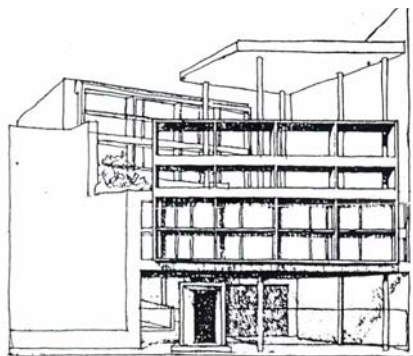
- سادگی و وحدت طرح

- استفاده از عناصر متقارن، منظم و تکراری

- طراحی صرفه جویانه و عملکردگرا

- یکدست و واضح (تصویر ۸)

تصویر ۸: خانه دکتر کروچت، لاپلاتا، آرژانتین، لوکوربوزیه، ۱۹۴۹



ماخذ: فرم، فضا، نظم، ۱۳۷۵: ۲۵۹

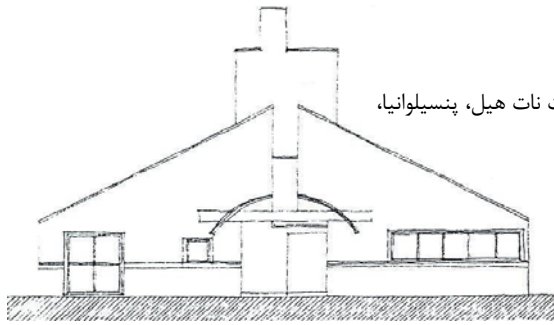
۱-۷- معماری پست مدرن

بر اساس اندیشه معماران مدرن، مدرنیسم به تدریج به یک سبک بین‌المللی تبدیل می‌شود که مرزها را می‌شکند. معماری پست مدرن در تقابل با معماری مدرن، شکل بنا و اجزای آن را تابع عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقلیمی می‌داند. ونتوری به عنوان آغازگر این سبک از طراحی خانه و به عنوان ابزاری برای مخالفت با مدرنیسم استفاده کرد.

این خانه با توجه به نمونه‌های تاریخی (معماری مسکونی انگلیسی) و توجه به خواست انسان، فرهنگ و اقلیم شکل گرفته است.

او ورودی ساده‌ای برای این خانه به وجود آورده است، ابزار زنی قوسی شکل روی نعل درگاه ورودی، اهمیت این ورودی را افزایش می‌دهد، گشودگی بالایی که قوس را قطع می‌کند نیز عامل تأکید کننده‌ای محسوب می‌شود. ورودی و دودکش شومینه در راستای یک محور قرار گرفته‌اند.

به طور کل این خانه به عنوان الگوی معماری پست مدرن، یک ورودی گرم و دعوت کننده، کاملاً انسان‌وار و بر اساس نیازهای انسانی و محیطی شکل گرفته است که همان هدف این سبک است.



ماخذ: فرم، فضا، نظم، ۱۳۷۵: ۲۶۲

برای ورودی در این سبک می توان موارد زیر را مطرح کرد:

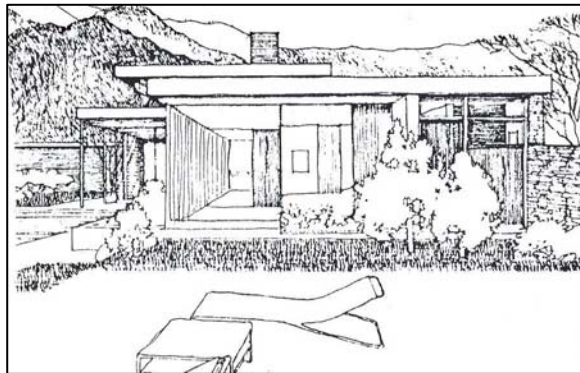
- ساده
- مطابق با واقع
- زمینه‌گرا
- آرام و دعوت کننده
- انسان‌گرا

۸-۱- سبک ارگانیک

از دیگر سبک‌هایی که از نظر خواستگاه دارای تضادهایی با معماری مدرن است، معماری به سبک ارگانیک می‌باشد. معماری ارگانیک ارزش دیگری را برای آستانه ورودی در نظر دارد. در اینجا نقش محافظتی ورودی منسوخ گردیده و همبستگی بین طبیعت و مسکن مد نظر و مورد جستجو است.

ورودی از دید معماران سبک ارگانیک آستانه‌ای صمیمی بین انسان و ساختمان و طبیعت است. این هدف در طراحی خانه‌های فرنکلویدرایت از معماران معروف این سبک به چشم می‌خورد. در این نوع طراحی تداخل فضای داخل و خارج و روند حرکت از بیرون به درون، به نحوی است که شخص وقتی به آن چیزی که ورودی نامیده می‌شود می‌رسد، در واقع برای این که بفهمد در درون است یا بیرون خودبخود دیر شده است. این ورودی مفصلی است که رابطه‌ای جدا نشدنی میان طبیعت و فضای درونی خانه ایجاد می‌کند. گاهی اوقات ورودی در کنج ایجاد می‌شود، در این حالت پیوستگی بیشتری را بین درون و بیرون القاء

تصویر ۱۰: خانه کافمن



ماخذ: فرم، فضا، نظم، ۱۳۷۵: ۱۰۱

- سادگی
- مطابقت با طبیعت
- زمینه‌گرا
- سه بعدی و ترکیب شده با محیط نیز از ویژگی‌های این ورودی‌ها است (تصویر ۱۰).

۲. تاریخچه معماری ایران

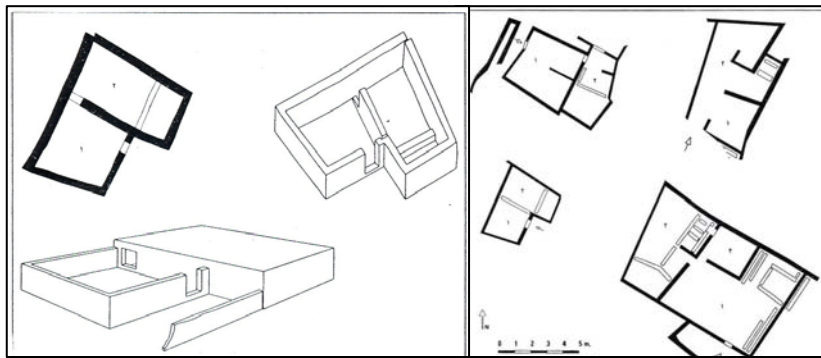
۱-۲- ایران باستان

مرحوم پیرنیا در سبک‌شناسی معماری ایرانی، معماری ایران را در شش شیوه بررسی کرده‌اند. این شش سبک بر اساس خواستگاهشان چنین نامیده شده‌اند: پارسی و پارتی پیش از اسلام، خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی از پس از اسلام. در این بخش به بررسی ویژگی‌های ورودی در این شیوه‌ها به طور جداگانه پرداخته می‌شود.

۲-۲- پیش از پارسی

تا پیش از کوچ آریاییان به ایران، تیره‌ها و ملت‌هایی نه چندان شناخته شده در ایران زندگی می‌کردند که معماری پیش رفت‌های داشته‌اند (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۴۰). تپه زاغه از مراکز مهم استقرار آن‌ها با ویژگی‌های مهم معماری و هنری بوده است. در مجموعه زاغه حدود ۲۱ خانه به دست آمده است. مکان‌یابی محل ورودی این خانه‌ها با توجه به جهت بادهای دائمی این منطقه بوده، بدین معنی که ورودی در جهتی قرار داشته که مانع نفوذ باد به درون فضای این خانه‌ها شود (تصویر ۱۱).

تصویر ۱۱: خانه های تپه زاغه



ماخذ: سبک‌شناسی اسلامی ایران، ۱۳۸۴: ۴۱-۴۲

فقط یک خانه با ورودی غربی یافت شده که در مقابل در ورودی آن برای احتراز از نفوذ بادهای سرد، یک بادشکن چینه‌ای ساخته شده بود. یکی دیگر از تمدن‌های قبل از پارسی، تمدن ایلامی بوده است. مرکز تمدن ایلامی‌ها شهر شوش بود که تاریخ پنج هزار ساله داشته است. برای بررسی این دوره به بررسی معماری معابد و نیایشگاه‌های آن پرداخته می‌شود. یکی از بازمانده‌های ارزشمند معماری ایلامی نیایشگاه یا زیگورات چغازنبیل در نزدیکی شوش است که از ۱۲۵۰ پیش از میلاد برجای مانده است (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۴۴).

به نظر می‌رسد که ایلامیان به عنوان یک اصل از طریق مورب نه مستقیم وارد معابد خود می‌شدند، برای نمونه هیچ یک از هفت دروازه چغازنبیل و هیچ یک از مسیرها مستقیماً به طرف معبد زیگورات نمی‌رود، چرا که این امر توهین به این معابد تلقی می‌شده است. ورودی معابد ایلام به وسیله مجسمه‌های شیر، گاو نر و نوعی سگ محافظت می‌شد. احتیاجی نبود که این مجسمه‌ها ابعاد عظیمی داشته باشد. در شکل زیر که مربوط به یک مهر متعلق به هزاره سوم قبل از میلاد است، معبدی از ایلام قدیم نشان داده شده است. در این معبد دو چارچوب در بلند را دیده می‌شود که فقط در سمت چپی عملاً به عنوان در ورودی مورد استفاده قرار می‌گرفته است و در سمت راست ممکن است فقط یک در ظاهری باشد (تصویر ۱۲ و ۱۳). از نظر انطباق با اقلیم و طبیعت منطقه از بعد کالبدی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

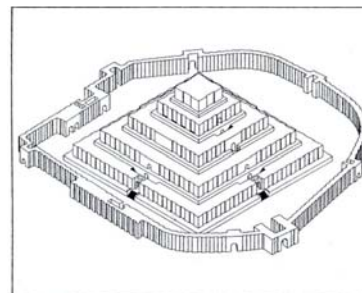
- یک پرده نی در مقابل ورودی وجود دارد که از فضای داخل در مقابل نور آفتاب محافظت می‌کرده است.
- یک دسته پنجره‌های مربع شکل میان در و سقف دیده می‌شود که به وسیله آن‌ها درون معبد روشن و تهویه می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که توجه به نحوه قرارگیری و شکل‌دهی به فضای ورودی سابقه بسیار طولانی در تمدن و معماری ایلامی دارد.

تصویر ۱۳: طرح معبد ایلام قدیم بر روی یک مهر

تصویر ۱۲: طرح بازسازی معبد چغازنبیل



ماخذ: سبک‌شناسی اسلامی ایران، ۱۳۸۴: ۴۶-۴۹



۲-۳- شیوه پارسی

در معماری ایران باستان (دوره‌های هخامنشی) با همکاری هنرمندان مختلف بناهای بسیاری ساخته شده است. از نمونه‌های بارز آن می‌توان به معماری تخت جمشید اشاره کرد. حفظ درونگرایی (بویژه در تخت جمشید و شوش) اساس طراحی و شکل‌گیری ورودی‌ها بوده، ساختمان‌ها روی سکو و تختگاه قرار می‌گرفته و تعداد زیادی پله به

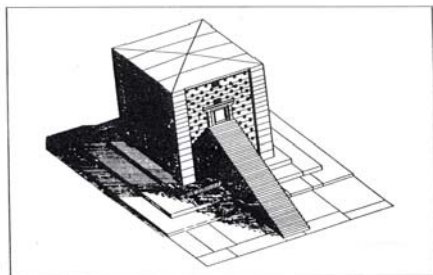
ورودی بنا منتهی می‌شده، استفاده از ستون‌های بسیار بلند در آستانه ورودی و پله‌های بسیار زیاد و دهانه‌های بزرگ و بلند، ورودی‌های بسیار با شکوه و عظیم ایجاد کرده است.

بهره‌گیری از پایه ستون و سر ستون‌ها، آرایش ستون‌ها، درگاه‌ها و سردرها با بهره‌گیری از زغره‌ها و پتکانه‌ها (به نقل از پیرنیا) در فضاهای ورودی این دوران به چشم می‌خورد. ساخت آفتابگیر و سایبان در جاهای ضروری از جمله ورودی‌ها نشان از توجه به مسائل اقلیمی دارد.

کلاوه‌ها گونه‌ای از بناها بوده‌اند که در معماری پارسی ساخته شده‌اند. نمونه این الگوبرداری، ساختمان کعبه زرتشت در نقش رستم است که این ساختمانی است چهارگوشه و سنگی که ورودی و درگاه آن بلندتر از کف زمین است و دسترسی به آن با تعداد زیادی پله صورت می‌گرفته است. بالاتر قرار گرفتن ورودی از سطح زمین نشانگر اهمیت و عظمت بنا بوده است.

برای ورودی به مجموعه تخت جمشید، پلکان بزرگ در ورودی با آرایش تارمی با نقش برجسته‌ها و کنگره‌های زیبا و دروازه ملل به چشم می‌خورد. این ورودی با شکوه نماد و مقدمه‌ای متناسب با کل مجموعه است. در تمامی موارد بالا مثال‌هایی از توجه معماری در سبک پارسی به مقوله مهم ورودی در ساخت بناها در آن دوران است (تصویر ۱۴ و ۱۵).

تصویر ۱۵: نقش رستم، کعبه زرتشت



ماخذ: سبک‌شناسی اسلامی ایران، ۱۳۸۴: ۶۳

تصویر ۱۴: پلکان بزرگ ورودی، کاخ تخت جمشید



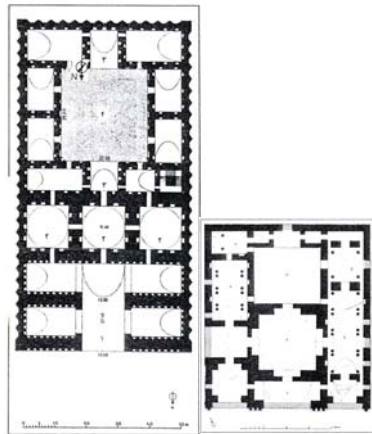
ماخذ: سبک‌شناسی اسلامی ایران، ۱۳۸۴: ۸۴

۲-۴- شیبوه پارتی

سبک پارتی پس از حمله اسکندر به ایران در دوره‌های اشکانی، ساسانی و صدر اسلام پدیدار شده است. قدیمی‌ترین محل سکونت پارت‌ها که تاکنون یافت شده در نسا یا پارتانیسا است که در نزدیکی عشق‌آباد امروزی است. نسا از یک شهر سفلی و یک ارگ که بیرون از حصار شهر روی تپه کوچکی بنا شده، تشکیل شده است. ورود به این ارگ از طریق پاگردهایی که در پی دیوارهای گرد شهر قرار داشت، صورت می‌گرفت. این امر به دلیل حفظ امنیت و امر مهم دفاع بوده است. هر لشکر مهاجمی که در صدد حمله به این ارگ برمی‌آمد مجبور بود از اطراف پلکان صعود کند و زیر آتش مداوم قرار می‌گرفت.

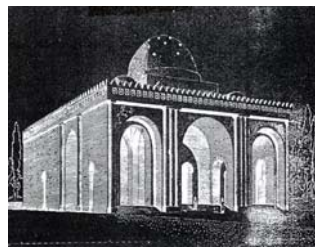
معماران نسا فرم‌های مختلف ساختمانی را مورد آزمایش قرار می‌دادند. ورودی‌ها نیز به همین اندازه حالت تجربی داشت و شامل ورودی‌های ساده، هشتی‌ها و ورودی‌های ستون‌دار می‌شد. بارزترین ویژگی نوآوری و میراث معماری پارتی، ایوان و میانسرا بوده است. استفاده از ایوان در فضای ورودی در بسیاری از بناهای دوره پارتی به چشم می‌خورد. آتشکده فیروزآباد نمونه‌ای از این بناهاست. ایوان مدائن یا طاق کسری از بناهای مهم شیبوه پارتی است. این ایوان به عنوان فضای ورودی بنا بوده است. دهانه این ایوان که حدود ۲۴ گز (۲۵.۳۰ متر) بوده، یک ورودی با عرض بسیار زیاد ایجاد می‌کرده است.

در نقشه کاخ سروستان نیز دیده می‌شود که ایوان اصلی همان ورودی کاخ است که با تعدادی پله به درگاه می‌رسد. در مجموع ساخت ایوان در فضای ورودی، بهره‌گیری از کنگره‌ها و کوردرها در نمای جبهه ورودی بناها به صورت قرینه، توجه به اصل درونگرایی در سلسله مراتب ورود با بهره‌گیری از ایوان و میانسرا، از اصول به کارگرفته شده در طراحی فضای ورودی در سبک پارتی است (تصویر ۱۶ و ۱۷).



ماخذ: سبک‌شناسی اسلامی ایران، ۱۳۸۴: ۱۱۲

تصویر ۱۶: نقشه کاخ فیروزآباد



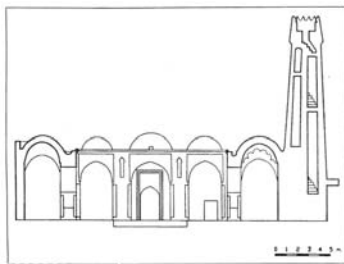
ماخذ: سبک‌شناسی اسلامی ایران، ۱۳۸۴: ۱۲۳-۱۲۴

۳. ایران بعد از اسلام

۳-۱- شیوه خراسانی

بعد از ورود اسلام به ایران با تأکید به درونگرایی و محرمیت در این دوران، ورودی‌هایی با هشتی، رعایت سلسله مراتب و حریم‌ها طراحی می‌شده است. صفت مردم‌واری و سادگی بسیار از ویژگی‌های معماری این شیوه است که در ساخت فضاهای ورودی آن نیز دیده می‌شود. مسجد پیغمبر با ورودی و ساخت بسیار ساده‌اش، مثالی از این نمونه است. اما به مرور زمان در شیوه‌های بعدی، بلندشدن سردر مساجد و مدارس به عنوان بناهای مهم، تزئینات به کار گرفته شده مانند: گچبری‌ها، کاربندی‌ها، گره‌سازی‌ها و ... در آنها جای خود را به سادگی داد. مسجد تاریخانه دامغان از نمونه‌های اصیل این دوره است.

این تصویر ورودی قدیمی و ساده این مسجد را نشان می‌دهد. یکی از ویژگی‌های جالب این مسجد، نقش درهای ساسانی است که با گچ بر روی دیوار شرقی نگاشته شده و گمان می‌رود، معمار مسجد می‌خواسته یادگاری از درهای زیبای کهن برای آیندگان بر جای گذارد، چون ساخت درهای آراسته و مجلل در این دوره معمول نبوده است. در اصلی مسجد، اکنون در کنار مناره آن است و چندان کهن نیست. تصویر ۱۸: مسجد جامع فهرج، برش،

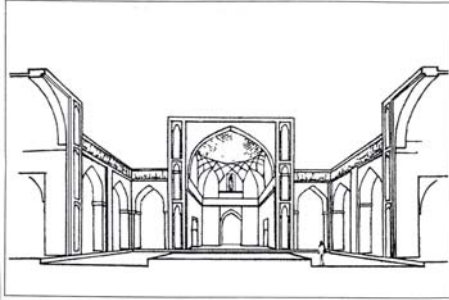


ماخذ: سبک‌شناسی اسلامی ایران، ۱۳۸۴: ۱۳۸

۳-۲- شیوه رازی

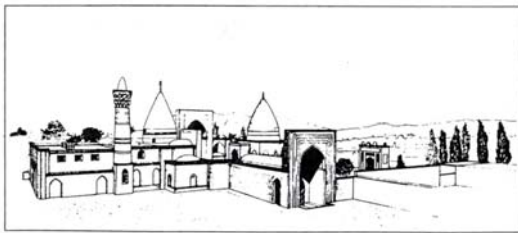
این شیوه از زمان آل‌زیار شروع شد و در زمان‌های آل‌بویه، سلجوقیان، اتابکان و خوارزمشاهیان ادامه پیدا کرد. شیوه رازی چهارمین شیوه معماری ایران است که همه ویژگی‌های خوب شیوه‌های پیش را به بهترین گونه دارا می‌باشد. نغزکاری شیوه پارسی، شکوه شیوه پارتی و ریزه کاری شیوه خراسانی در این سبک با هم پدیدار می‌شود. در یک فرآیند و در یک دوره طولانی به تدریج صفت‌های مردم‌واری و سادگی شیوه خراسانی جای خود را به تجلل و ورودی‌های پرکار و آراسته داد. بلند شدن سردر بناها در فضای ورودی و به کارگیری تزئیناتی از قبیل گچبری و آجرکاری‌های معقلی در این دوره به چشم می‌خورد. چهار ایوانی شدن مساجد و به ساخت ایوان اصلی در راستای فضای ورودی، به کارگیری هشتی و گنبد بر روی آن در فضای ورودی مسجد از ویژگی‌های ورودی‌های این دوره است. توجه به محرمیت و سلسله مراتب از شیوه‌های قبل تا این دوره همچنان ادامه داشته است.

تصویر ۱۹: طرحی از ایوان اصلی مسجد زواره



ماخذ: سبک‌شناسی اسلامی ایران، ۱۳۸۴: ۱۹۷

تصویر ۲۰: ارس بسطام



ماخذ: سبک‌شناسی اسلامی ایران، ۱۳۸۴: ۲۳۰

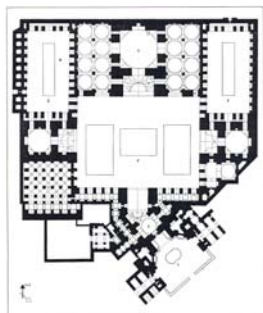
تصویر ۲۳: طراحی از سردر رفیع و بلند مسجد جامع یزد



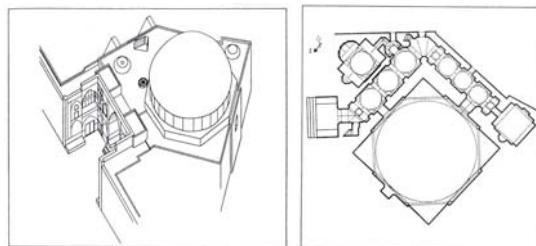
ماخذ: سبک‌شناسی اسلامی ایران، ۱۳۸۴: ۲۳۷

مسجد شیخ‌لطف‌الله یکی دیگر از شاهکارهای معماری در این دوره است. پس از بررسی نحوه ورود و مسیر دسترسی به درون آن نیز همین فرآیند به چشم می‌خورد. سردر ورودی این دو مسجد، دارای کمی عقب‌نشستگی از بر میدان است، فضای شکل گرفته یک پیش فضا است که به عنوان مقدمه‌ای برای ورود به مسجد می‌باشد.

تصویر ۲۳: مسجد شیخ‌لطف‌الله، میدان نقش جهان، اصفهان



تصویر ۲۲: مسجد امام تصویر



ماخذ: سبک‌شناسی اسلامی ایران، ۱۳۸۴: ۲۹۴-۳۰۰

۳-۳- شیوه آذری

این شیوه در دوره هلاکو و تیمور در ایران شکل گرفت. از ویژگی‌های مهم فضای ورودی در این دوره: استفاده از هندسه متنوع در طراحی فضاهای ورودی اندازه-های بسیار بزرگ سردر ورودی بوده است. در این زمان سردر مساجد به نسبت بنای اصلی بسیار بلند بوده است. کاشی‌کاری به عنوان تزئین سردر ورودی بناها به خصوص مساجد و مدارس، رواج بیشتری داشته است.

۳-۴- شیوه اصفهانی

این شیوه آخرین شیوه معماری ایرانی است و در دوران سلسله‌های صفوی، افشاری، قاجاری و زندیه متداول بوده است. خواستگاه این سبک آذربایجان، اما مهد پرورش آن اصفهان بوده است. یکی از آثار ارزنده که از این دوره بر جای مانده، میدان نقش جهان و ساختمان‌های اطراف آن است. مسجد امام، یکی از زیباترین مسجدهای ایران است که در این میدان قرار دارد (تصویر ۲۲ و ۲۳).

فضای ورودی این مسجد در راستای محور میدان است، اما محور مسجد رو به قبله چرخیده، میان این دو محور زاویه‌ای است که معمار به نحوی در هشتی ورودی به آن پاسخ داده است. معمار ایوان شمالی مسجد در پشت هشتی را به گونه‌ای چرخانده است که از هشتی ورودی می‌توان مسجد را دید ولی نمی‌توان یکر است وارد آن شد، بلکه باید از یکی از دو دالان گرداگرد ایوان به میانسرای مسجد رسید. این چرخش در مسیر ورودی و چرخش به نحو غیرمستقیم به درون مسجد در بسیاری از بناهای دیگر در دوران‌های مختلف نیز دیده شده است.

در این دوره استفاده از ستاوندها (ایوان‌های ستون‌دار) در جلوی کاخ‌های تازه ساز مانند چهل ستون، رایج شد. قرار دادن یک ایوان ستون‌دار در ورودی به کاخ‌های اصفهان شکوه ویژه‌ای می‌بخشید.

تصویر ۲۴: کاخ آینه، اصفهان



ماخذ:

سبک‌شناسی اسلامی ایران، ۱۳۸۴: ۳۱۴

متأسفانه به تدریج در دوره دوم شیوه اصفهانی یعنی زمان قاجاریان و پهلوی پیشرفت و بهبود وضعیت این فضاها به دلیل تقلید از معماری غرب جای خود را به زوال و انحطاط داد. ایرانیان در این دوره با آغاز روابط فرهنگی با غرب، در برابر فرهنگ و تمدن غربی دچار خود باختگی شدند. به عنوان مثال در زمان قاجاریان، سهدری‌ها به دودری تبدیل شدند. (معماران گذشته به این منطقی رسیده بودند که نمای یک اتاق نباید در برابر تابش آفتاب صبح باشد، از این رو نمای اتاق را چند دری می‌کردند. بدین معنی که چند درگاه در آن می‌آوردند، مانند سهدری و پنج‌دري و میان درگاه‌ها یک تیغه نازک می‌کشیدند که روی آن‌ها سایه می‌انداخت).

تابش‌بندها یا تیغه‌های نازک که عمود بر درگاه‌ها بودند، به گونه‌ای اریب ساخته شدند که در نتیجه آفتاب مستقیماً به درگاه‌ها و اتاق می‌تابید. از این رو اتاق‌ها در هنگام تابش مانند کوره گرم می‌شدند و نیز تناسب آن‌ها از میان رفت. استفاده از قوس نیم‌دایره، سقف شیبدار، ستون‌های فرنگی، سنتوری، بالکن، نرده و پله در محور ساختمان نشان از تقلید دارد. در داخل ساختمان نیز پلکان عریض سه طرفه مانند کاخ‌های غربی نشانه‌ای دیگر از این انحطاط است. مورد دیگر را می‌توان استفاده از عنصر ساعت بالای سردر ورودی نام برد. همه این موارد ورودی‌ای با سبکی تلفیقی ایجاد می‌کند که از اهداف اصلی خود فاصله گرفته است.

سلطان‌زاده ورودی‌های این دوره را می‌توان به سه نوع تقسیم کرد:

- سنتی

- نیمه سنتی

- جدید

ورودی‌های سنتی: عناصر اصلی یکی از ترکیب‌های شکلی فضای ورودی که پیش از این در تهران و برخی از شهرهای دیگر مورد استفاده قرار می‌گرفتند، عبارت بودند از: یک قوس جناغی شکل برای پوشش دهانه، دو سکو در دو سوی در، یک در چوبی دو لنگه مستطیل شکل با گل میخ‌ها و کوبه‌های فلزی و دو جرز آجری در دو طرف دهانه ورودی که پایه‌های قوس بر روی آن‌ها قرار می‌گرفتند. در بیشتر موارد جرزها و رخبام بالای فضای ورودی یک قاب مستطیل شکل و دو سطح لچکی واقع در میان اضلاع مستطیل و خط‌های قوس دهانه، پدید می‌آوردند که درون آن با نقش‌های آجری یا کاشی تزئین می‌شد.

ورودی‌های نیمه سنتی: در دوره قاجار قوس‌های «دور تمام» یا «یک پرگاری» (پلان سنتر) برای پوشاندن دهانه بسیاری از حجره‌ها و درگاه‌ها یا دهانه فضاهای ورودی رواج گرفت. در برخی از این فضاها، سکوهایی در دو سو ساخته می‌شد که به کار نشستن می‌آمد. اما گاهی این سکوها سطح کافی برای نشستن نداشتند و تنها برای ایجاد ترکیب شکلی و فضایی ساخته می‌شدند. مواردی هم وجود دارد که فاقد سکو هستند. در بعضی از فضاهای ورودی با سفال و آجرهای مهری روی جرزها و سایر سطوح فضا به‌ویژه روی کتیبه سردر نقش و نگارهای پر کار و متنوعی طراحی و اجرا می‌شد. عمق این ورودی‌ها معمولاً در حدود نیم‌متر بود، اما عرض آنها بین سه تا چهار متر و ارتفاع آن‌ها بین سه تا چهار و نیم متر بوده است.

ورودی‌های جدید: در اواخر دوره قاجار کاربرد ترکیب‌های شکلی غیرسنتی، که غالباً متأثر از معماری روسیه، اروپا، مسافرت خارجیان به ایران و ایرانیان به اروپا و به ویژه احداث سفارتخانه‌ها و بناهای متعلق به اروپاییان بود، رواج یافت مانند انواع شکل‌های سنتوری، سنتوری شکسته و کلاخودی که به صورت ساده یا همراه با نقوش متنوع اسلیمی، گره سازی آجری و کاشی کاری آراسته می‌شدند.

این تزئینات و نقوش در بیشتر موارد در سردر بناها به کار می‌رفتند و غالباً جززهای ساده و فاقد تزئینات پرکار بودند مگر در موارد استثنائی که برای تزئین جززها از سفال و آجر مهری استفاده می‌شد. گاهی نیز از ترکیب ستون و نیم-ستون با شکل‌های متنوع، به صورت منفرد یا زوج و سایر عناصر و شکل‌های تزئینی در هر سوی ورودی استفاده می‌کردند.

ایران معاصر: طراحی ورودی در معماری حال حاضر ایران به شکلی کاملاً تقلیدی و متأثر از نفوذ سبک بین‌الملل معماری مدرن صورت می‌گیرد که منجر به شکل‌گیری ورودی‌هایی بدون در نظر گرفتن اقلیم و فرهنگ منطقه می‌شود.

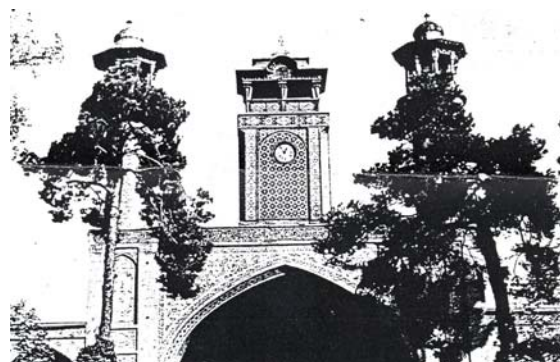
در معماری این ورودی‌ها توجه به استفاده از عناصری مانند ستون، سنتوری و ... بدون هیچ هدف عملکردی به جای توجه به مفهوم اساسی فضا صورت می‌گیرد. عدم ارتباط و هماهنگی بصری، بی‌توجهی به نمای شهری و فقر ارزش معماری از دیگر خصوصیات ورودی‌های معاصر است.

تصویر ۲۵: سردر عمارت قصر یاقوت



ماخذ: معماری دارالخلافه ناصری، ۱۳۸۲: ۹۹، ۱۱۸

تصویر ۲۶: ساعت بالای سردر ایوان شمالی مسجد سپهسالار



معماری بناهای بازمانده از دوره‌های کهن، مرجع مطالعات ما در بررسی روند تغییرات ورودی از لحاظ کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و کاربردی می‌باشد. از آنچه در شکل‌گیری فضاهای ورودی در تمدن‌ها و سبک‌های مختلف مؤثر بوده، می‌توان اوضاع طبیعی و اجتماعی منطقه، مذهب، نظام اجتماعی، فرهنگی و ... را نام برد. معماری یونان که مهد تولد هنر غرب محسوب می‌شود، بر پایه فلسفه اومانیستی یا انسان‌گرایی بوده است. فضاهای ورودی در بناهای آن در ادامه شکل مجسمه‌وار بنا بوده‌اند و همراه با سنتوری‌ها و ستون‌هایی در جلو و پله‌هایی برای ارتباط به سطح بالاتر با تأکید بر خطوط افقی شکل می‌گرفتند.

هنر رومی به واقع انتشار دهنده و نگهدارنده میراث هنر یونانی بوده است. البته رومی‌ها به مرور به خواستگاه هنری خویش دست یافتند. بناها و بالتبع ورودی‌های ساخته شده توسط رومی‌ها با شکوه و جلال بودند، همانطور که می‌دانید عظمت و فضا‌مندی از ویژگی‌های معماری رومی بوده است. تغییرات فضای ورودی در معماری رومی علاوه بر موارد بالا، الحاق این فضا به بناهای اصلی و تغییراتی در تناسبات و تزئینات ستون‌ها یا سنتوری و ... بوده است. در دوره گوتیک تداوم فضایی، پیوستگی بین بیرون و درون در طراحی فضاهای ورودی، مبنای کار قرار می‌گرفت. ورودی‌ها، بلند و باشکوه و به همراه پیکرتراشی و نقش و نگارهای نوک تیز و با تأکید بر خطوط قائم بودند.

پس از آن در دوره رنسانس که دوره اهمیت انسان است، در ساخت بناها و نیز فضاهای ورودی، تناسبات انسان‌وارتر بوده است. به کارگیری اصل تقارن و مرکزگرایی نیز در طراحی ورودی‌ها در این دوره به چشم می‌خورد. اما در ادامه، دوره باروک دوره آزادی از اصول مرکزگرایی، تقارن، هندسه و ... بوده است. استفاده از منحنی‌ها و عناصر موجی در ورودی‌ها در این سبک به کرات دیده شده است.

پس از گذر از این دوران و رسیدن به معماری مدرن، توجه به اصل اقتصاد، عملکردگرایی، تقارن و ... در عین حال بی‌توجهی به مسائل اقلیمی و فرهنگی هر منطقه در طراحی فضاهای ورودی دیده شد. معناگرایی، مسائل مذهبی و اعتقادی اهمیت خود را در طراحی ورودی‌ها از دست داد و فناوری حرف اول را در ساخت انواع بنا و اجزای آن‌ها زد. بعد از سبک بین‌المللی مدرن، سبک‌هایی مانند معماری پست مدرن و ارگانیک به اصلاح معیارهای معماری مدرن پرداختند. در این سبک‌ها توجه به فرهنگ (پست مدرن) و نیز طبیعت و اقلیم (ارگانیک و پست مدرن) یکی از معیارها برای طراحی فضاهای ورودی در بناها گردید.

جمع‌بندی

همانطور که بررسی شد، شکل‌گیری ورودی به عنوان یکی از عناصر مهم و مؤثر در معرفی افکار و نظریات دوران مربوط به خود است و متناسب، هماهنگ، پیوسته با امکانات، اهداف عملکردی و تفکرات دوره مربوط به خود شکل می‌گیرد. طبیعت اقلیمی ایران و آداب و رسوم، مراسم مذهبی، روحیه، اخلاقیات، اندیشه و عقیده نسل‌ها در معماری ایران انعکاس واضحی دارد. ما نه تنها در بناهای عظیم، بلکه در ابنیه و آثار کوچک هم این انعکاس را می‌توان دریافت و همانگونه که بررسی شد، جایگاه ورودی در فرآیند طراحی این بناها در ادوار مختلف تاریخی در کشورمان به وضوح به چشم می‌خورد. ورودی بناهای ایرانی در طی دوران پرفراز و نشیب خود، تحولات چشمگیری داشته است، اما دارای ویژگی‌های خاصی است و در هر یک از دوره‌های تاریخی تغییراتی به خود دیده است. نمونه آن ورودی‌های باشکوه عصر پارسی است که عناصر آن‌ها به صورت منطقی در کنار هم قرار گرفته بودند. توجه به حل مسائل اقلیمی و درون-گرایی در طراحی و ساخت فضاهای ورودی این دوره امری بدیهی بوده است. استفاده از ستون‌ها در آستانه ورودی و پله‌هایی برای رسیدن به بنا که معمولاً بر روی سکویی ساخته می‌شد، از ویژگی‌های کالبدی ورودی‌های عصر پارسی است.

ورودی در شیوه پارتی تحول عمده‌ای را به خود دیده است که همانا به کارگیری ایوان در فضای ورودی می‌باشد. ایوان اصلی در راستای محور ورودی به عنوان پیش فضا یا مقدمه‌ای بوده است که در فرآیند ورود نقش مهمی بازی می‌کرده است.

پس از اسلام با الگو گرفتن از باورهای اسلامی، فضاهای ورودی مردم وارتر شدند، گرچه در شیوه پارتی نیز مردم واری و پرهیز از بیهودگی نمایان بود، ولی پس از اسلام این ارزش‌ها بیشتر نمودار شدند.

پس از شیوه خراسانی، در شیوه‌های آذری و رازی دوباره ورودی‌های ساختمان‌ها را شکوهمند ساختند و از مردم‌واری دور شدند که نمونه بارز آن سردر مسجد جامع یزد است. شکوهمندی و رفعت سردر ورودی بناها در شیوه آذری بیشتر از شیوه رازی است، اما ساختمان‌های شیوه آذری هرگز با کیفیت شیوه رازی ساخته نشدند. در شیوه‌های اصفهانی، ساختمان‌ها با شتاب بیشتری ساخته می‌شدند بنابراین کیفیت پایین می‌آمد. ولی در شیوه اصفهانی نمونه‌های ارزنده‌ای مانند مسجد امام و شیخ لطف‌الله ساخته شدند که به اهمیت و کیفیت فضاهای ورودی آن‌ها پرداخته شد. همچنین کاخ‌هایی مانند چهل‌ستون که ستاوندی‌های آنان در فضای ورودی به این کاخ‌ها جلال و شکوه می‌بخشید، نمونه‌ای از بناهای دوره اصفهانی هستند.

به طور کلی در ساماندهی فضای ورودی در دوره‌های مختلف در ایران، باورهای مردم، ساختمایه ایدری یا بوم آورد، دانش فن ساختمان، توجه به تناسبات و پرهیز از بیهودگی بسیار کارساز بوده است. اما به تدریج در اواخر دوره اصفهانی با نفوذ فرهنگ غرب، در معماری ایران نیز خودباختگی رخ داد و معماران برای ساخت بناها و بالتبع ورودی آن‌ها، از معیارهای معماری گذشته ایران فاصله گرفتند و حتی عناصری را به کار بردند که معماران کهن ما کاربرد آن را

نادرست می‌دانستند. به کارگیری سقف شیبدار بدون توجه به اقلیم، حذف تابش بندها، تبدیل سه دری به دو دری در درگاه اتاق‌ها، استفاده از سنتوری و ستون‌های فرنگی در فضای ورودی از این جمله‌اند. متأسفانه این روند انحطاط همچنان در معماری ایران به چشم می‌خورد و می‌توان همواره شاهد کاهش کیفیت و ارزش فضایی ورودی بناها در معماری این کشور بود.

منابع

- برزگر، ماریا (۱۳۸۶) "معماری ورودی در خانه های قدیم ساری" مسکن و انقلاب، شماره ۱۲۰.
- توسلی، محمود (۱۳۷۵) "اصول طراحی شهری و فضاهای مسکونی (جلد اول و دوم)" تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.
- پرچمی عراقی، مسعود (۱۳۸۷) "سلام معماری" صفه ۲۸، سال نهم.
- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۴) "سبک شناسی معماری ایرانی" تهران، نشر سروش دانش.
- چرمایف، سرچ و الکساندر کریستف، (۱۳۷۶) "عرصه‌های زندگی جمعی و خصوصی" مزینی، تهران، دانشگاه تهران.
- زارعی، محمد ابراهیم (۱۳۴۲) "آشنایی با معماری جهان" تهران، نشر فن‌آوران.
- سلطان زاده، حسین (۱۳۷۱) "فضاهای ورودی خانه‌های قدیم تهران" تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سلطان زاده، حسین (۱۳۷۲) "فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران" تهران، شهرداری تهران.
- قبادیان، وحید (۱۳۸۲) "معماری دارالخلافه ناصری سنت و تجدد در معماری معاصر تهران" تهران، نشر پشتون.
- معماریان، غلامحسین (۱۳۸۴) "سیری در مبانی نظری معماری" تهران، سروش دانش.